



حضرت آیت الله جوادی آملی

تهیه و تنظیم: حجت الاسلام والمسلمین مصطفی پور

## رباخواری، ظلم و دیوانگی است

خود را نسبت به دیگران برجسته می‌پندارند فرموده است: «أَنْ تَكُونَ أُمَّةً هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ» (نحل، ۹۲) یعنی امتی برجسته‌تر از امت دیگر باشد. ربا در اصطلاح، زیاده‌گیری یا مال زیادتر در قرض یا خرید و فروش مکمل و موزون است نه مطلق زیاده گرفتن یا مال زائد.

### نزول تدریجی حکم ربا

روش قرآن در مبارزه با انحرافات ریشه‌دار اجتماعی آن است که تدریجاً زمینه‌سازی می‌کند و افکار عموم را گام به گام به مفاسد آن آشنا می‌سازد. پس از آماده شدن زمینه برای پذیرفتن حکم نهایی، حکم و قانون را به صورت صریح اعلام می‌کند. در زمان جاهلیت، رباخواری در بین مردم بخصوص در بین اهل مکه بشدت رواج داشت. به همین دلیل قرآن برای ریشه‌کن ساختن آن، حکم تحریم را در چهار مرحله بیان کرده است:

**مرحله اول:** قرآن در مرحله اول در قالب یک اندرز اخلاقی اعلام می‌کند رباخواری در پیشگاه خدا کار پسندیده‌ای نیست: «وَمَا آتَيْتُم مِّن رِّبَا لِيَرْبُو فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُم مِّن زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ» آنچه به عنوان ربا می‌پردازید تا در اموال مردم فزونی یابد نزد خدا فزونی نخواهد یافت و آنچه را به عنوان زکات می‌پردازید و در آن رضای خدا را می‌طلبید پس آنها پاداش مضاعف دارد (روم، ۳۹).

براساس این آیه، افراد سطحی و کوتاه‌بین، ثروت حاصل از ربا را افزایش مال می‌پندارند، اما در پیشگاه خدا چیزی بر مال آنها افزوده نمی‌شود، بلکه زکات در راه خداست که ثروت را افزایش

رشته و مانند آن بپرهیزد. از جمله کارهایی که قرآن به عنوان مصداق ظلم اقتصادی معرفی می‌کند رباخواری است. از این رو خدای متعال از مؤمنان خواسته است رباخواری نکنند که رباخواری جنگ با خدا و ظلم به مردم است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتِغُوا فَلَئِمَّ فَلَئِمَّ لَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَّا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ».

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا پروا داشته باشید و باقیمانده مطالبات ربا را واگذارید اگر ایمان دارید. اگر چنین نمی‌کنید بدانید خدا و رسولش با شما پیکار خواهند کرد و اگر توبه کنید سرمایه‌های شما از آن شماسست. نه ستم می‌کنید و نه بر شما ستم وارد می‌شود (بقره، ۲۷۸ تا ۲۷۹).

با توجه به این آیه، لازمه ایمان به خدا، تقوای اقتصادی و ترک ریاست. با در نظر گرفتن آیات مربوط به ربا چند سؤال مطرح می‌شود: ۱. معنای ربا و اقسام آن کدام است؟ ۲. دلایل ناپسندی ربا در قرآن و روایات چیست؟ ۳. پیامدهای رباخواری چیست؟

### معنای ربا

ربا در لغت به معنای افزوده، برجسته و برآمده است. قرآن درباره برآمدن زمین بر اثر بارش باران فرموده است: «فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ» (حج، ۵) ما وقتی آب را بر زمین فرو فرستادیم زمین به اهتزاز درآمد و بالا آمده است. از کفی که روی آب و سیل برجستگی دارد از آن به زبده رابی یاد کرده است (زعد، ۱۷) و درباره انسان‌هایی که

اسلام دین معنویت و زندگی است. از این رو هم مردم را به عبادت خدا فراخوانده است و هم به عدالت اجتماعی و اقامه قسط و عدل دعوت کرده است، زیرا انسان از آنجا که مخلوق خداست و خدا ربوبیت و تدبیر او و نظام هستی را برعهده دارد، باید او را عبادت کند. همین خدا او را اجتماعی آفریده است تا با دیگران رابطه برقرار کند. بنابر این باید اصلی بر زندگی اجتماعی او حاکم باشد تا تعادل جامعه برقرار و از هر نوع تعدی و تجاوز و ظلم و ستم جلوگیری شود. از این رو، خداوند متعال یکی از اهداف ارسال انبیای الهی را اقامه قسط و عدل معرفی کرده است: «ليقوم الناس بالقسط» (حدید، ۲۸).

زندگی اجتماعی انسان دارای شئون گوناگونی چون سیاسی، اقتصادی، اخلاقی و... است که یکی از مهمترین آنها، شأن اقتصادی است. انسان باید بداند چه چیزی را و چگونه و به چه مقدار و برای چه تولید کند و همچنین چه چیزی را و چگونه و چه مقدار و برای چه توزیع کند و نیز چه چیزی را و چگونه و چه مقدار و برای چه مصرف کند. همه اینها مربوط به تدبیر و معیشت زندگی انسان است.

برای اینکه انسان نظام اقتصادی خود را در تولید و توزیع و مصرف تنظیم کند، آموزه‌های دینی برنامه‌هایی را در بعد ایجابی و سلبی ارائه کرده است تا عدالت حاکم و ظلم و ستم برچیده شود. در بعد ایجابی آدمی را به کار و اشتغال ترغیب کرده و از بیکاری برحذر داشته است تا انسان در پرتو کار و اشتغال، به تولید و توزیع بپردازد و در بعد سلبی، او را از تولید درآمد حرام بازداشته و از او خواسته است تا از احتکار، ظلم، ستم، سرقت،

♦ اگر انسانی از گناه رباخواری توبه کند، تنها حق دریافت اصل مال خویش را دارد و مجاز به دریافت سود نیست، زیرا رباخواری ظلم است. علت ظلم بودن رباخواری هم انضمام ناحق مال دیگران به اموال رباخوار است و اگر رباخوار بخواهد توبه کند با توبه، تنها مالک اصل مال خود خواهد بود و کسی مجاز نیست آن را به وی نپردازد و در حقیقت ظلم کند؛ نه مورد ظلم واقع شود.

می‌دهد.

**مرحله دوم:** در مرحله بعد، قرآن ضمن انتقاد از عادات و رسوم ناپسند و غلط، به عادات زشت رباخواری اشاره کرده و می‌فرماید: «وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ» یکی دیگر از عادات بد آنها این بود که رباخوار بودند با اینکه از آن نهی شده بودند (نسا، ۱۶۱).

**مرحله سوم:** در مرحله سوم رباخواری بشدت منع و این کار در حد جنگ با خدا اعلام شده است (بقره، ۲۷۵-۲۷۹) که در مقاله مورد بحث به آن پرداخته می‌شود.

**مرحله چهارم:** به صراحت حکم تحریم را اعلام می‌کند و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ربا را چند برابر نخورید، از مخالفت با فرمان خدا بپرهیزید تا رستگار شوید و از آتشی که برای کافران آماده شده است، خود را حفظ کنید (آل عمران، ۱۳۰ و ۱۳۱).

در زمان جاهلیت معمول بود اگر بدهکار نمی‌توانست در سررسید مدت بدهی خود را بپردازد از طلبکار تقاضای می‌کرد مجموع سود و اصل بدهی را به شکل سرمایه جدیدی به او قرض بدهد و سود آن را بگیرد. یعنی سود به اضافه سرمایه، سود جدیدی را تشکیل می‌داد تا از این راه بدهکار، چندین برابر اصل سرمایه را به رباخوار بپردازد.

## اقسام ربا

ربا از نظر فقهی دو نوع است:

۱. **ربای معاوضی:** یعنی دو هم‌جنس را به زیاده گرفتن مبادله کند در صورتی که آن دو کیل و موزون باشند. بنابر این، این حالت دو شرط دارد: از یک جنس بودن عوض و معوض و کیل و موزون بودن. یعنی از باب مثال گندم را با گندم



مبادله کند و زیاده از آنچه که داده است دریافت کند.

۲. **ربای قرضی:** اگر کسی چیزی را به کسی قرض دهد، گرفتن زیادتر از آن حرام است خواه آن زیاده شدن، عینی باشد مثل پول یا حکمی مثل اینکه شرط کند کاری برای او انجام دهد. ربای قرضی مشروط به هیچ قید و شرطی نیست بلکه مطلق است.

## تفاوت ربای قرضی و ربای معاملی

۱. **ربای معاملی** محدودیت دارد، یعنی محدود به کیل و موزون بودن و از یک جنس بودن است. در حالی که در ربای قرضی، محدودیتی نیست یعنی زیاده گرفتن در هر قرضی چه کیل و موزون باشد یا نباشد، حرام است. از این رو، حرمت ربای قرضی از حرمت ربای بیع گسترده‌تر است.

۲. در ربای قرضی، اگر شرط اضافه شود، سرمایه‌ای که قرض داده و پس گرفته می‌شود حلال است و مقدار زائد، حرام است. ولی در ربای معاملی، اصل داد و ستد و معامله باطل و حرام است.

امام صادق (ع) در شدت حرمت ربا نسبت به سایر محرمات فرمود: «درهم من ربا اعظم عند الله من سبعین زنبه زنبه کلها بذات محرم فی بیت الله الحرام» یعنی عقوبت یک درهم ربا نزد خدا از هفتاد زنا به محارم در مسجد الحرام و مقدس‌ترین مکان بیشتر است (تفسیر قمر، ج ۱، ص ۹۳).

## تقوای اقتصادی

تقوای اقتصادی همان تقوای نفسانی است که دارنده آن از وفاق هوا و مخالفت با خدا پرهیز می‌کند، تقوا در رابطه با مال و پرهیز از ربا، تقوای اقتصادی و رعایت حقوق مالی دیگران است. از این رو، در آیه مورد بحث خدای سبحان خطاب به مؤمنان فرمود: تقوا پیشه کنید و اگر ایمان دارید ربا و زیاده‌خواهی را رها سازید زیرا ترک سود ربوی نشانه ایمان است و تکرار ایمان در آغاز و پایان آیه، تأکیدی بر این است که رباخواری با روح ایمان و تقوا سازگاری ندارد.

## ربا؛ جنگ با خدا و رسول

نافرمانی و ترک اوامر الهی و ارتکاب نواهی، اعلام جنگ با خدا و اخلال در نظام اقتصادی، اجتماعی و حکومتی اسلام و نیز نبرد با ولی مؤمنان و رسول خداست و هر یک در دنیا و آخرت، مجازات جداگانه‌ای دارد و رباخواران چون هم حکم الهی حرمت ربا را زیر پا

می‌گذارند و هم حکم حکومتی را که براساس تأسیس و اداره نظام اسلامی است، اعلام نبرد با خدا و رسول کرده است و به عبارت دیگر، ربا چون نافرمانی خداست، اعلام جنگ با اوست و چون اخلال در نظام اسلامی است، اعلام نبرد با رسول خداست.

## مشی دیوانه‌وار رباخواران

در قرآن کریم شخص رباخوار به آدم دیوانه‌ای تشبیه شده است که به هنگام راه رفتن قادر نیست تعادل خود را حفظ کند و به طور صحیح گام بردارد: «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَخْتَبِطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ».

کسانی که رباخواری می‌کنند در روز قیامت از قبر بر نمی‌خیزند مگر بسان شخص دیوانه و وحشت‌زده‌ای که شیطان آشفته و پریشانش کرده است. این کیفر بدان جهت است که گفتند: خرید و فروش از نظر حلال بودن و سودآوری همسان رباخواری است، در صورتی که خدای سبحان داد و ستد را حلال و ربا را حرام کرده است. بنابراین کسی که موعظه الهی به وی رسد و از رباخواری دست بردارد، سودهایی که در سابق برده از آن اوست و این تحریم شامل گذشته نمی‌شود و کارش به خدا واگذار می‌شود و کسانی که به رباخواری بازگردند اهل آتشند و همیشه در آن خواهند بود (بقره، ۲۷۵).

سرمخبط و جنون‌آمیز بودن قیام رباخوار آن است که تفکر اقتصادی او جنون‌آمیز و وارونه است. چون براساس منطق رباخواران، اقتصاد فقط روی است و ربا اصل و محور اقتصاد است و بیع، فرع و شبیه آن.

این تفکر وارونه، همه اوصاف و افعال رباخوار را مخبطانه می‌کند. به عبارت دیگر، شیطان‌صفتان رباخواری خود را چنین توجیه می‌کنند که خرید و فروش هم مثل ریاست. در صورتی که اینچنین نیست، زیرا در معامله داد و ستد، شخص کار و کوشش و مهارت به خرج می‌دهد و به نقل و انتقال و فعالیت تجارتمی می‌پردازد و کالا را در دسترس مردم قرار می‌دهد و هرگونه خسارتی را عهده‌دار می‌شود و در مقابل، مقداری سود دریافت می‌کند، ولی در ربا شخص از یک دست پول به افراد نیازمند می‌دهد و از دست دیگر با مقداری

◆ قرآن، رباخواران را کفار و اثمی می‌داند زیرا این عمل، معاصی فراوانی در پی دارد. به عنوان مثال رباخوار اگر روزه می‌گیرد، روزه خود را با مال دیگران افطار می‌کند و نماز او با لباس حرام همراه است و تجارت وی آمیخته با مال حرام است و خانه او با مال حرام ساخته یا خریده شده است پس این عمل، سبب آلودگی همیشگی به معصیت است.



اضافه می‌گیرد. در نتیجه عده‌ای مرفه بی‌آنکه کاری انجام دهند و ضامن خسارت مال باشند روز به روز بر ثروتمندان افزوده و افراد ضعیف روز به روز ضعیفتر می‌شوند. بنابراین ربا وسیله‌ای برای استعمار و استضعاف و استثمار مردم است. از این رو، مقایسه بین داد و ستد و ربا، مقایسه نامناسبی است.

### مراد از شیطان

مراد از شیطان در مفهوم کلی، هر شری است که مصادیق آن ابلیس و دیگر جنیان و انسان‌های شرورند یا فقط ابلیس است که از طایفه جن به شمار می‌رود (مفردات راغب، ص ۴۰۴). از آیه استفاده می‌شود که شیطان در جنون برخی دیوانگان تأثیر دارد، هر چند علل و اسباب طبیعی در دیوانگی نقش دارد ولی علل طبیعی جنون سبب نمی‌شود اثر شیطان را در جنون انکار کرد و تشبیه رباخوار و مجنون را همراهی با فرهنگ خرافی مردم دانست، زیرا جن‌زدگی خرافات نیست و خدای سبحان برتر از آن است که در کلامش هر چند در قالب تشبیه باشد به مطلب خرافی استناد کند و اگر سخنان خرافی را بیان کند بطلان آن را نیز اعلام می‌کند چون در کلام خدای سبحان اصلا باطل و خرافات راه ندارد (فصلت، ۴۲).

### مضاربه غیر از ربا

همان گونه که در جاهلیت خرید و فروش را مانند ربا تصور می‌کردند، در جاهلیت مدرن نیز برخی مضاربه و ربا را همتای هم می‌انگارند. از این رو بانکداری اسلامی را که در قالب عقود اسلامی فعالیت اقتصادی می‌کند مرکز ربا می‌دانند در حالی که این قیاس ما چه نو و چه کهن مع الفارقند زیرا بیع و مضاربه تبادل کالا به نقد یا تبادل کار به نقد است و در مضاربه در واقع، مشارکت کار و سرمایه است که مضاربه گیرنده، سرمایه را می‌گیرد و با کار خود با آن به فعالیت اقتصادی می‌پردازد و از این طریق سودی به دست می‌آورد که بخشی از آن را به صاحب سرمایه می‌دهد.

### احکام الهی تابع مفاسد و مصالح

احکام الهی به استناد مصالح و مفاسد کنونی است که خدای حکیم از آن آگاه است و بندگان درصدد

♦ **امام صادق «ع» فرمود: چه نابودی بدتر از نابودی دین با یک درهم رباست و اگر عامل این گناه، توبه نکند مال او از بین می‌رود و فقیر می‌شود.**



فهم آن اسرار و رموزند که به برخی از آنها پی برده‌اند و مصالح بیع و مفاسد رباپشتوانه تحلیل بیع و تحریم رباست. آن مصالح و مفاسد عبارتند از:

۱. در خرید و فروش معمول هر دو طرف به طور یکسان در معرض سود و زیان هستند، گاهی هر دو سود می‌برند و گاهی هر دو زیان می‌کنند و گاهی یکی زیان و دیگری سود می‌برد در حالی که در معاملات ربوی، رباخوار هیچ‌گاه زیان نمی‌بیند و تمام زیان‌های احتمالی بردوش ربادهنده سنگینی می‌کند. به همین دلیل است که مؤسسات ربوی روز به روز سرمایه‌دارتر می‌شوند و در برابر تحلیل رفتن طبقات ضعیف، پیوسته بر حجم ثروت آنان افزوده می‌شود.

۲. در تجارت و خرید و فروش معمولی، دو طرف معامله در مسیر تولید و مصرف گام برمی‌دارند در صورتی که رباخوار هیچ عمل مثبتی در این زمینه ندارد، بلکه بعکس تعادل اقتصادی را در جامعه به هم می‌زند، زیرا رباخواران سود می‌برند و زیان‌های اقتصادی تنها متوجه دهنده رباست.

۳. با شیوع رباخواری، سرمایه‌ها در مسیر ناسالم قرار می‌گیرد و پایه‌های اقتصاد که اساس اجتماع است متزلزل می‌شود، در حالی که تجارت صحیح، موجب گردش سالم ثروت است.

۴. رباخواری از آنجا که نوعی تبادل ناسالم اقتصادی است، موجب می‌شود عواطف و پیوندها را سست کند و بذر کینه و دشمنی را در دل‌ها بپاشد. از این رو، رباخواری منشأ دشمنی‌ها و جنگ‌های طبقاتی است در حالی که تجارت صحیح چنین نیست و هرگز جامعه را به طبقاتی شدن و جنگ‌های ناشی از آن سوق نمی‌دهد.

۵. در روایات اسلامی سر و حکمت تحریم ربا را امتناع مردم از کار نیک می‌داند. امام صادق «ع» فرمود: «أما حرم الله الربا لکیلا یمتنع الناس من اصطناع المعروف» یعنی خداوند ربا را حرام کرده است تا مردم از کار نیک امتناع نورزند (وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۲۲).

۶. چهره باطنی رباخوار، دیوانگی و شکم بزرگی است. امام صادق «ع» می‌فرماید: پیامبر اکرم «ص» در شب معراج عده‌ای را دید که می‌خواستند از

جایشان بلند شوند اما نمی‌توانستند زیرا شکم آنها خیلی بزرگ بوده است، از جبرئیل پرسید اینها چه کسانی هستند؟ جبرئیل در جواب گفت: «هؤلاء الذین یأکلون الربا لا یقومون الا کما یقوم الذی یتخبطه الشیطان من المس» یعنی اینان رباخوارانند که قیامشان مانند قیام دیوانگان است که بر اثر مس شیطان به آن مبتلا شده‌اند (نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۹).

۹. در روایتی از امام رضا «علیه‌السلام» علت تحریم ربا را فساد اموال می‌داند و می‌فرماید: همان‌طوری که دادن مال به افراد سفیه و کم‌خرد و رشد نیافته، سبب فساد اموال می‌شود ربا نیز سبب فساد اموال می‌شود. «حرم الله الربا امله فساد الاموال کما خطر علی السفیه ان یرفع ماله الیه لما یتخوف علیه من افساده حتی یونس منه رشده» خدای سبحان ربا را برای این حرام کرده است که موجب فساد اموال می‌شود چنان که از دادن مال به سفیه منع کرده است، زیرا تا وقتی که به سن رشد نرسیده باشد امکان از بین بردن و افساد مال است (عیون اخبار الرضا، ج ۲، صص ۱۰۰ و ۱۰۱) و در بخش دیگری از این حدیث فرمود: «عله تحریم الربا بالنسبه امله ذهاب المعروف و تلف الاموال و رغبه الناس فی الربح و ترکهم القرض و الفرض و صنایع المعروف و لما فی ذلک من الفساد و الظلم و قناء الاموال» (همان منبع) یعنی علت تحریم ربا نسبت به نسبه آن است که معروف و کار نیک از بین می‌رود و کسی به عمل نیک و پسندیده احترام نمی‌کند و اموال نابود می‌شود و مردم با رغبت به سود، قرض و کار واجب مالی مثل خمس و زکات و کارهای پسندیده را ترک می‌کنند و این امر فساد و ظلم و نابود شدن اموال را در پی دارد.

### کاهش در ربا و افزایش در صدقات

در قرآن ربا در برابر انفاق و صدقات آمده است و یکی را موجب خیر و برکت و دیگری را موجب سلب خیر و برکت می‌داند. از این رو فرموده است: «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ» یعنی برخلاف پندار کفار، خداوند ربا را کاهش و صدقات را افزایش می‌دهد. کسانی که به جای دستگیری از نیازمندان به پاس نعمت الهی دست به رباخواری می‌زنند افرادی ناسپاس و گناهکارند و خداوند هیچ انسان ناسپاس و گناهکاری را دوست ندارد (بقره، ۲۷۶).

از پیامبر اکرم روایت است که آشکار شدن ربا در یک سرزمین، نشانه هلاکت آنجاست و ربا اگر چه بسیار باشد عاقبت اندک شود، محق به معنای نقصان و از بین رفتن و بردن برکت است برعکس پندار دنیاپرستان که به ظاهر ربا را موجب افزایش مال

و صدقات را باعث کاهش مال می‌بینند، خداوند خیر و برکت را از رباخواران می‌گیرد و به مال صدقه‌دهندگان برکت و فزونی می‌دهد. بنابراین، آیه «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ» دو مطلب را می‌فهماند: ۱. زوال و ظلمت ربا و زیادت و برکت و نورانیت صدقه در امور فردی و اجتماعی؛ ۲. نابودی تدریجی و تاریکی عمل ربوی در دنیا و آخرت و برکت و نورانیت صدقه در دنیا و آخرت ظهور دارد.

علت نابودی و زوال حتمی ربا آن است که اولاً خدا هر باطلی را نابود می‌کند: «إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (باطل حتماً نابودشدنی است) و ثانیاً ربا، خوردن مال به باطل است پس در نتیجه ربا نابود شدن است (اسراء، ۸۱).

در آیه، رباخواران را کفار و اثم می‌داند زیرا معاصی فراوانی را در پی دارد از باب مثال رباخوار اگر روزه می‌گیرد، روزه خود را با مال دیگران افطار می‌کند و نماز او با لباس حرام همراه است و تجارت وی آمیخته با حرام است و خانه او از مال حرام ساخته شده است پس این عمل، سبب آلودگی همیشگی به معصیت است. از سوی دیگر براساس وظیفه اجتماعی و دینی، رباخوار باید با مؤمنان برادر باشد، لکن رباخواری به جای ایجاد پیوند برادری، ایجادکننده قهر آفرینی و کینه است، مؤمنان باید برای افزایش بر و تقوا همکاری کنند ولی ربا سبب همکاری بر اثم و عدوان است.

از امام صادق «ع» از معنای آیه «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا ...» پرسیدند که با اینکه به ظاهر، مال رباخوار افزایش پیدا می‌کند چرا از کاهش مال رباخوار سخن می‌گوید امام فرمود: «فای محق احمق من درهم یمحق الذین فان تاب منه ذهب ماله و افتقرها» یعنی: چه نابودی بدتر از نابودی دین با یک درهم ریاست و اگر توبه نکند مال او از بین رفته و فقیر می‌شود (من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۷۹).

توضیح آنکه مال متراکم ربوی از دو صورت خارج نیست یا مورد بهره‌برداری رباخوار واقع می‌شود که در این صورت دین او به حماق رفته است و یا توبه می‌کند و اموال را به صاحبان آنها بازمی‌گرداند. در این صورت چیزی در دست او نمی‌ماند.

### چگونگی توبه رباخوار

اگر انسانی مبتلا به رباخواری باشد اگر حکم الهی را دریافت کند و با قانون خدا آشنا شود و احکام الهی را به عنوان موعظه و خیرخواهی خدا تلقی کند از کارهای حرام توبه می‌کند. این توبه چند صورت دارد:

۱. اگر قبل از اعلام حکم ربا، مسلمانی اقدام به رباخواری می‌کرد و پس از آگاهی از احکام الهی توبه کند با توجه به اینکه قانون عطف به ماسبق نمی‌شود، کیفر ربا از این دسته برداشته است و آنها کیفری ندارند و توبه آن همان ترک ربا و خودداری از دریافت اضافه پس از آگاهی از حکم الهی است. چنان که در صدر اسلام پیش از نزول حکم ربا برخی از مسلمانان رباخوار بودند.

۲. اگر فردی قبل از اسلام و مسلمان شدن در نظام اسلامی ربا گرفته است و اکنون اسلام آورده است، با اینکه پس از نزول حکم و قانون، همگان مکلف به اجرای احکام فقهی اسلامند و قانون درباره آنها به طور کامل اجرا می‌شود اما درباره این گروه، پذیرش دین اسلام تفضلاً تخلفات پیشین آنان را جبران می‌کند و می‌پوشاند، ولی پس از صدور حکم ربا یا پذیرش دین، هیچ‌کس اجازه ندارد باقی‌مانده طلب‌های ربوی را از مدیون دریافت کند و تنها اصل آن را مالک است. نتیجه آنکه حکم وضعی اموال ربوی گذشته درباره غیرمسلمان رباخوار، صحت تملک آنهاست و رابطه او با خدا به امر الهی واگذار شده است. از این رو شاید در قیامت بخشیده شود.

۳. اگر مسلمانی با آگاهی از حکم ربا، اقدام به رباخواری و پس از آن توبه کند، باید فقط اصل سرمایه را دریافت کند و از دریافت سود بپرهیزد: «و تَبْتِئُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسَ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ». در حقیقت، اگر انسانی توبه کند تنها مالک اصل مال خویش است و مجاز به دریافت سود نیست، زیرا رباخواری ظلم است. علت ظلم بودن رباخواری هم انضمام ناحق مال دیگران به اموال رباخوار است و اگر رباخوار بخواهد توبه کند با توبه مالک اصل مال خود خواهد بود و کسی مجاز نیست آن را به وی نپردازد و در حقیقت ظلم کند، نه ظلم کند و نه مورد ظلم واقع شود.

### اصل جامع طرد ظلم از ظالم و مظلوم

مهمترین عنصر اعتقادی، «توحید» و برجسته‌ترین عنصر اجتماعی - سیاسی «عدل» است. عدالت مانع ستمگری و ستم‌پذیری است. اصل طرد ظلم از ظالم و مظلوم اصلی جامع است که هم در قلمرو اسلامی که تنظیم روابط بین مسلمانان را برعهده دارد حاکم است و هم در قلمرو توحیدی که عهده‌دار روابط موحدان جهان است و هم در سطح بین‌الملل که روابط انسانی را تنظیم می‌کند و هم در مسائل اقتصادی، مسائل سیاسی و مسائل خانوادگی حاکم است. از این رو، این آیه

به حاکم شدن عدالت بر روابط اقتصادی نسبت به رباخوار و ربادهنده اشاره دارد که ربادهنده باید اصل سرمایه را پرداخت کند و رباگیرنده از دریافت ربا خودداری و پرهیز کند.

### آمزش رباخوار جاهل با توبه

رباخوار باید از رباخواری توبه کند زیرا این توبه سبب آمرزش و پاداش الهی است و مخالفت با آن غضب خدا و عذاب جهنم را در پی دارد. امام صادق «ع» فرمود: «ان التوبه مطهره من انس الخطیئه... وان یتیم فلکم رؤوس اموالکم لا تظلمون و لا تظلمون فهذا ما دعاه الله الیه عباده من التوبه و وعد علیها من ثوبه فمن خالف ما امره الله به من التوبه سخط الله علیه و کانت النار اولی به و احق» یعنی در حقیقت توبه، آدمی را از آلودگی گناهان پاک می‌کند و اگر کسی از رباخواری توبه کند مالک سرمایه خود است نه مورد ظلم واقع می‌شود و نه ظلم می‌کند و این از سوی خدا دعوت به توبه است، اگر کسی توبه کند به ثواب وعده داده شده خدا دست می‌یابد و اگر کسی از دستور خداوند به توبه، مخالفت کند خدای سبحان بر او خشم می‌گیرد و آتش عذاب الهی برای او شایسته‌تر است (تفسیر عیاشی، ج ۱، ۱۵۳).

### نتیجه‌گیری

اسلام از آنجا که دین معنویت و زندگی است هم آدمیان را به خداشناسی و عبادت و مناجات با خدا فراخوانده است تا انسان‌ها در پرتو آن معنای زندگی را بیابند و از تنهایی رهایی پیدا کنند و اضطراب و نگرانی نداشته باشند و هم برای تأمین زندگی سالم به عدالت فراخوانده است. از این رو خداوند برای برقراری رابطه اقتصادی با مردم، انسان‌ها را به تعاون و همکاری دعوت کرده و از ظلم و ستم بر حذر داشته است. به همین دلیل انسان را از رباخواری بازداشته و نتیجه رباخواری را دیوانگی دانسته و پیامد سوء آن را در دنیا و آخرت بیان کرده است. همچنین از نظر معنوی آن را جنگ با خدا و از نظر اجتماعی ظلم به انسان‌ها می‌داند و اگر انسانی بر اثر جهل یا غفلت و یا غلبه هواپرستی و دنیاطلبی به این عمل اقدام کرد او را به توبه فراخوانده است تا با توجه به ضمن دریافت اصل سرمایه خود از گرفتن ربا و زیاده پرهیز کند و آنچه که مال صاحب سرمایه نیست به او برگرداند. انسانی هم که از این گناه توبه کند در قیامت به ثواب الهی می‌رسد و اگر از دعوت به توبه سرباز زد گرفتار عذاب الهی خواهد شد.

- ◆ روش قرآن در مبارزه با انحرافات ریشه‌دار اجتماعی آن است که تدریجاً
- ◆ زمینه‌سازی می‌کند و افکار عموم را گام به گام به مفاسد آن آشنا می‌سازد.
- ◆ پس از آماده شدن زمینه برای پذیرفتن حکم نهایی، حکم و قانون را به صورت صریح اعلام می‌کند. از جمله در زمان جاهلیت که رباخواری در بین مردم بخصوص در بین اهل مکه بشدت رواج داشت، قرآن برای ریشه‌کن ساختن آن، حکم تحریم را در چهار مرحله بیان کرد.

